

چشمها و گوشها

قطب بندی کاذب تا به کجا؟

دوستی می‌گفت حرکتی را که مرحوم بروجردی در تقریب مذاهب و نزدیکی تشیع و تسنن آغاز کرد، بعداً توسط مرحوم طالقانی، مرحوم امام و آیت‌الله منتظری دنبال شد. مرحوم شریعتی نیز با طرح تشیع علوی و تسنن محمدی زیربناهای وحدت این دو جریان مهم اسلامی را یادآور شد. در مقابل، خط مشی انگلستان و بعداً هنری کیسنجر وزیر امور خارجه اسبق آمریکا، تشدید اختلافات تشیع و تسنن بود تا از این رهگذر از شکل‌گیری یک جریان عظیم منطقه‌ای جلوگیری کنند.

او می‌گفت من تعجب می‌کنم چگونه در این شرایط بحرانی عده‌ای با استفاده از تریبون‌های رسمی موضوع لعن خلفای صدر اسلام را مطرح می‌کنند و در عین حال پز ضد آمریکایی و ضد انگلیسی هم به خود می‌گیرند و تازه به نیروهای مخالف خود هم بر حسب همکاری با اجنبی می‌زنند.

تذکر قانون اساسی وظیفه همگانی است:

به دنبال اختلاف نظر قوه قضاییه و رییس جمهور در قضیه تذکر آقای خاتمی به قوه قضاییه یکی از صاحب‌نظران می‌گفت: اگر هیچکدام از اصول قانون اساسی هم به آقای خاتمی اجازه این کار را ندهد، حوزه کار بردی اصل هشتم قانون اساسی را نمی‌توان منکر بود که می‌گوید: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی.» آیا آقای خاتمی از موضع این اصل هم نمی‌تواند به قوه قضاییه تذکر قانون اساسی بدهد؟

تعقیب نماینده و قانون اساسی

یکی از کسانی که اختلاف قوه قضاییه و مجلس را به دقت دنبال کرده بود، می‌گفت: در اصل هشتاد و ششم قانون اساسی گفته شده: نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظرانی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد. بنابراین می‌توان چند اصل را در نظر گرفت:

۱- نمایندگان مجلس در اظهار نظر خود کاملاً آزادند (بدون قید و شرط)
۲- نمایندگان در مجلس هر مطلبی را که بگویند، قابل تعقیب نیست. او می‌گفت در اصولی که قانونگذار استثناها و قیدها را مدنظر داشته عبارت «مگر در مواردی که قانون تجویز یا منع کند»، یا «ترتیب آن را قانون مشخص می‌کند» رابه اصل اضافه کرده است. بنابراین حتی به فرض اهانت آمیز بودن سخن یک نماینده در مجلس، قانون اساسی مجوزی برای تعقیب و پیگیری او به دست نمی‌دهد.

هوشیاری عمومی در پی جویی کارشناسی‌های ملی

یکی از منتقدان شرایط کنونی با دلسوزی می‌گفت: در یک ارزیابی اجمالی، جامعه کنونی ایران با مشکلات و بن بست‌های فراوانی دست به گریبان است و در مقابل ظاهراً راه حل بنیادی و همه جانبه‌ای به چشم نمی‌خورد. از این جهت بسیاری در انتهای تحلیل‌های خود به یک نوع یأس و درماندگی می‌رسند. اما یک نکته هست که از دید بسیاری پنهان مانده است. اگر جامعه ایران را مانند یک بیمار فرض کنیم که با امراض متعدد خود دست و پنجه نرم می‌کند، در شرایط کنونی کلیت جامعه به بیماری‌های خود آگاه شده است. به این معنا که کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که به نارسایی‌های موجود در زمینه‌های مختلف معترف نباشد. این حالت شاید ده سال پیش به این شدت در جامعه به چشم نمی‌خورد، اما اکنون، جو غالب جامعه دگرگون شده و مردم از منظرهای مختلف به شرایط بحرانی موجود معترفند. این حالت در تمثیل به همان بیماری می‌ماند که بعد از مدت‌ها غفلت به مشکل خود واقف شده و حالا در صدد درمان برآمده است.

این هوشیاری عمومی مقدمه خوبی در جهت رسیدن به راه‌های کارشناسانه ملی است و از طرفی می‌تواند معیار خوبی در جهت تشخیص میزان صحت این راه‌حل‌ها باشد. بنابراین توجه به واکنش یک بیمار هوشیار ضروری است، چون او بیش از همه به درمان خویش علاقه مند است و اگر احساس بهبودی کند، بطور طبیعی با طبیب همکاری خواهد کرد.

مثلی که در حال مربع شدن است

آمریکا همواره در آسیای میانه حضور فعال داشته و خصوصاً از زمان کلینتون تحولات منطقه را پیگیری کرده است. اهداف آمریکا عبارتند از:

- ۱- دور ساختن چین از صحنه رقابت.
- ۲- ممانعت از بهره برداری روسیه از ثروت‌های زیرزمینی منطقه.
- ۳- برانگیختن اختلافات میان پنج کشور حوزه خزر.
- ۴- در نتیجه توجیه حضور نظامی خود با استفاده از رابطه اش با ترکیه و استقرار جایگاه‌های ناتو تا دریای خزر.
- ۵- بهره‌جویی از نفوذ ترکیه بر آذربایجان برای بهره‌برداری بهتر از فرصت‌های پیش آمده.

بدین ترتیب مثلث راهبردی آمریکا، ترکیه، اسرائیل، در حال تبدیل به مربعی است شامل: آمریکا، اسرائیل، ترکیه و آذربایجان.

آمریکا در پی ایجاد «توهمی» جدید

یکی از مؤلفه‌های جامعه دموکراتیک این است که به دام تقسیم بندی‌هایی نظیر خیر مطلق و شر مطلق نیفتند ولی ۱۱ سپتامبر جامعه آمریکا را به

این دام انداخت.

وقتی پای شرمطلق به میان می آید؛ این پدیده و توکننده دموکراسی است و آشکارا نشان می دهد که آمریکا از سکولاریسم و لائی سیزم ادعایی خود خارج شده است. در دموکراسی شیطان معنی ندارد.

آمریکا به دنبال یک توهم و هراس (FABIA) فویبای جدید می گردد که جانشین (Red Fabia) یا توهم سرخ گردد.

در دوران جنگ سرد بهانه صنایع نظامی آمریکا توهم و وحشت سرخ بود، ملت را هم با آن بسیج می کردند.

آمریکا از لحاظ ایدئولوژی از طریق اثباتی نمی تواند ملتش را بسیج کند بلکه باید یک «ضد» و یک «توهم» هراسناک برای آنها ایجاد کند.

بطور مثال: هدف حملات ۱۱ سپتامبر، سمبل قدرت مالی، نظامی و سیاسی کاخ سفید بود ولی سیاست سازان آمریکایی با ردگم کنی ماهرانه، این حملات را با شایعاتی نظیر شیمیایی کردن آنها، فروشگاهها و... اقدامی علیه مردم آمریکا عنوان کردند.

انتشار پیام بن لادن در شبکه های آمریکایی هم از همین قماش بود.

وفاق ملی و قانون اساسی

درباره قانون اساسی دونگرش و دوینیش متفاوت در سطح مسؤولین مملکت وجود دارد. بینش اول ضمن پذیرفتن قانون اساسی معتقد است تک تک مواد قانون اساسی هم مشروعیت داشته و هم به رأی مردم گذاشته شده است و اکثر مواد آن صراحت و شفافیت دارد و اگر چنین نبود هیچ شهروندی نمی توانست به کمک قانون از مسؤولین انتقاد کند.

بینش دوم معتقد است تک تک مواد قانون اساسی مشروع است به اصل چهار و اصل چهار نیز مشروع است به موازین اسلامی و موازین اسلامی نیز مشروع است به فهم فقهای شورای نگهبان. باید توجه کرد که قانون اساسی ثمره انقلاب است و توسط چهل و پنج مجتهد جامع الشرایط و چند مرجع تقلید از جمله مرحوم امام خمینی و همچنین بسیاری از اسلام شناسان و بیشتر از آن مبارزه امضا شده و تک تک مواد آن با برخورداری از مشروعیت لازم به رأی مردم گذاشته شده است.

پیشنهاد می شود علاوه بر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، رئیس قوه قضاییه، فقهای شورای نگهبان و اعضای خبرگان رهبری نیز نسبت به وفاداری و اجرای قانون اساسی سوگند یاد کنند تا موجب تحکیم هرچه بیشتر مشروعیت و قانونیت این سند وفاق ملی گردد.

سه مشکل اسلام کریم اف

ازبکستان در روز ۱۰ شهریور ۸۰، دهمین سال استقلال خود را در پی فروپاشی شوروی سابق جشن گرفت. اسلام کریم اف، سه مانع عمده را بر سر راه پیشرفت ازبکستان به ترتیب و به شرح زیر برشمرد:

الف) تروریسم

ب) بنیادگرایی اسلامی

ج) قاچاق مواد مخدر

تعجب اینکه مبارزه با قاچاق مواد مخدر در اولویت سوم قرار دارد.

«نقطه عطف میمون و مبارک»

ابومصطفی دبیرکل جبهه خلق برای آزادی فلسطین (جبهه موسوم بعجرج حبش) توسط تروریسم دولتی اسرائیل به شهادت رسید. شیخ احمد یاسین رهبر حماس شهادت او را به یاسر عرفات (رهبر دولت خودگردان) حضوراً تسلیت گفت. آیت الله احمد جنتی هم در خطبه نماز جمعه ۹ شهریور ۸۰ از علی مصطفی با عنوان برادر و شهید یاد کرد.

جالب این است که انتفاضه فلسطین به حدی رشد یافته که سه جریان مذهبی، ملی و چپ درهم ادغام شده و با هم در عمل هماهنگی دارد، این در حالی است که در گذشته در ایران تلاشهایی می شد که موجودیت یاسر عرفات را تحت عنوان ملی گرای فلسطینی، کم رنگ و سپس از معادلات سیاسی حذف نموده و قضیه فلسطین را به سمت احکام اسلامی و به عبارتی رساله های عملی سوق دهند.

ولی امروزه می بینیم آیت الله جنتی عملاً علی مصطفی را که اولاً چپ و ثانیاً عضو جنبش خودگردان فلسطین است تأیید کرده و به او عنوان «برادر» و «شهید» دادند.

عدم دلسوزی، مشکل صنایع ملی

گفته می شود که اداره صنعت کفش ملی را به آقای ایروانی پیشنهاد کرده اند. آقای ایروانی در یک نظر اجمالی گفته است از یک سو تولید کارخانه نصف و از طرف دیگر پرسنل آن ۲/۵ برابر شده است.

احیای قانون اساسی و پیشرفت در سایه اتحاد

ظریفی از اهل سنت کردستان معتقد بود: نه ما پیرو واقعی چهار خلیفه بزرگ هستیم و نه شما پیروان راستین علی.

علی سه نفر از فرزندان خود را ابوبکر و عمر و عثمان نامگذاری کرد که در روز عاشورا در کنار امام حسین به شهادت رسیدند.

بیاییم به احیای قانون اساسی، استقلال، آزادی و پیشرفت ایران بپردازیم.

علت توسعه نیافتگی

سه رکن توسعه عبارت است از: ۱- تولید، کار و تلاش ۲- پس انداز و صرفه جویی ۳- سرمایه گذاری و لوازم آن.

هر ملتی نقطه خیز یا جهش خود را برای توسعه از یکی از این سه عوامل شروع کرده است. اما در کشور ما به دلیل درآمد باد آورده نفت ما سعی کردیم مثل یک کالا توسعه را بخریم. دلیل عقب افتادگی ما هم همین است.

درآمد نفت برای ما الگوی اعتبار به نفت را ارزانی داشته و لذا تن به کار و تلاش نمی دهیم و سرمایه گذاری مفید و مولد هم نخواهیم داشت.

پاداش ایجاد اشتغال در کانادا

در کشور کانادا اگر کسی یک واحد ایجاد اشتغال کند به او افتخار شهروندی می دهند. در مملکت ما برای دستیابی به یک موافقت اصولی باید مدتها دوندگی کرد و پول خرج کرد تا گامی در جهت تولید برداریم پس از راه اندازی با ۵۳ مورد مالیات و عوارض روبرو خواهیم شد که در نهایت راهی جز نزول خواری باز نمی ماند.